

دبیرکل و سخنگوی سازمان معلمان از جنبش معلمان می گویند

کنشگران صنفی و مدنی، وضعیت جنبش معلمان را بررسی کردند : کنش جمعی پیشرو اما شکننده و آسیب پذیر

به گزارش تارنمای [داوطلبی](#)؛ در ماههای اخیر گفتگو و اظهارنظر پیرامون [اعتراضات معلمان](#)، به پای ثابت بحثهای برخی محافل صنفی و مدنی در شبکه اجتماعی تبدیل شده است. به نحوی که کنشگران صنفی، تقریباً به موازات برگزاری هر تجمع اعتراضی به تحلیل ابعاد و زوایای درونی و بیرونی کنشگریهای صورت گرفته، پرداخته‌اند و سیاسیون و کنشگران مدنی نیز روایتها و تحلیل‌های خود را متأثر از حرکت به زعم آنها فراگیر معلمان، با مخاطبان به اشتراک گذاشته‌اند. در ادامه این روند، شنبه ۲۰ فروردین ماه در شبکه اجتماعی کلاب‌هاوس بحثی با عنوان «جنبش معلمان در موقعیت کنونی» با حضور جمعی از کنشگران صنفی و مدنی برگزار شد.



بررسی مختصات این جریان صنفی، بررسی ویژگی‌های آن و نیم‌نگاهی به آنچه پیش روی [جنبش معلمان](#) قرار دارد، از جمله محورهای اصلی این بحث ۳ ساعته را تشکیل می‌داد. در میان سخنرانان اصلی این جلسه، کنشگران صنفی از تشکلهایی چون شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، سازمان معلمان ایران، کانون صنفی معلمان، و انجمن صنفی

معلمان فارس حضور داشتند که با رویکردهای مختلفی به تحلیل موقعیت جنبش معلمان در شرایط فعلی پرداختند. در این نشست برخی از کنشگران صنفی به تحلیل ماهیت جریان اعتراضی معلمان پرداختند و تلاش کردند، ابهامات موجود در خصوص خاستگاه و ماهیت این جریان را مورد واکاوی قرار دهند. از جمله این ابهامات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- سیاسی یا صنفی-سیاسی بودن
- جنبشی یا غیرجنبشی بودن
- نسبت این جریان با بدنه صنفی معلمان
- نسبت این جریان با حاکمیت و گروه‌بندی‌های سیاسی

مروری بر مجموعه اظهارنظرها نشان می‌دهد که جریان صنفی معلمان به باور کنشگران حاضر در این نشست که برخی از آنان در متن جریان اعتراضی سالها و ماههای اخیر معلمان حضور فعال داشته‌اند، دارای ویژگی‌هاییست که آن را از سایر جریان‌های مطالبه‌محور فعلی در فضای اجتماعی ایران، متمایز می‌کند. برخی از این ویژگی‌ها، مورد توافق فعالان صنفی است. از جمله:

- صنفی، مدنی و سیاسی بودن
- کنشگرا بودن
- طبقاتی بودن (از حیث منزلت و پایگاه اجتماعی تعلق به طبقه متوسط دارد و از حیث سطح درآمدی در رسته طبقه کارگر قرار می‌گیرد)
- مطالبه‌گر بودن
- متنوع و متکثر بودن
- فراجنسیتی بودن
- فراگیر و متشکل بودن
- مستمر و پویا بودن

گرچه ویژگی‌های دیگری نیز به این لیست اضافه شده، اما کمتر مورد توافق حاضران در نشست قرار گرفت. از جمله موارد چالش‌برانگیز در گفتگوی اخیر کنشگران صنفی، بحث بر سر تعریف و تبیین ماهیت حرکت‌های اعتراضی معلمان بود.

کنش‌های معلمان سیاسی است یا صنفی؟!

جدال بر سر سیاسی یا صنفی-سیاسی بودن و همچنین جنبشی یا غیرجنبشی بودن این حرکت‌ها، تا بدانجا کشیده شد که برخی از کنشگران صنفی،

ادامه روند فعلی و عدم تعیین ماهیت جریان مطالبه‌گری معلمان توسط تشکله‌ها و کنشگران پیشروی صنفی را عاملی در جهت کاهش سطح مشارکت و عدم امکان استفاده از حداکثر ظرفیت بدنه برای فشار بر حاکمیت جهت پیگیری و تحقق مطالبات صنفی ارزیابی کردند. نقد این گروه از کنشگران عمدتاً ناظر بر آسیب‌پذیر بودن موج مطالبه‌گری بود که تشکله‌های صنفی همچون شورای هماهنگی تشکله‌های صنفی فرهنگیان به راه انداخته بودند.

به باور این طیف، حرکت مطالبه‌گرانه معلمان به دلیل خاستگاه تماماً صنفی، نسبتی با سیاست به معنای رادیکال آن یعنی تغییر نظام سیاسی حاکم ندارد و حرکت اعتراضی معلمان یک حرکت صرفاً صنفی و معیشتی که با درک ظرفیت‌های واقعاً موجود و توانمندی بدنه در چارچوب قانون و با درک الزامات سیاسی و حقوقی کشور امکان تداوم دارد. به باور آنها، جنبشی خواندن حرکت اعتراضی معلمان، ضمن آنکه حاکمیت را نسبت به فعالیت مسالمت‌آمیز صنفی معلمان حساس کرده و بدنه صنفی معلمان را از پیگیری خواسته‌های خود در چارچوب قانون باز می‌دارد؛ انتظارات جامعه و افکار عمومی را نسبت به آنچه معلمان به دنبال آنند، بالاتر می‌برد.

«مزگان باقری» کنشگر صنفی فارس با تاکید بر ظرفیت‌های فعلی جریان اعتراضی معلمان، از فاصله معنادار آن با تعاریف مصطلح و معمول از جنبش‌های اجتماعی می‌گوید و اضافه می‌کند که به دلایلی حرکت‌های میدانی و اعتراضی معلمان در شرایط حاضر، با وجود برخی شباهت‌ها به جنبش‌های اجتماعی و مدنی، جنبش نیست. «اول اینکه اسم یک فعالیت صنفی را نباید جنبش گذاشت. همانگونه در بسیاری از کشورهای دنیا این مطالبه‌گری‌ها وجود دارد و نام جنبش روی آنها نمی‌گذارند. از طرفی وقتی به این کنش‌های صنفی «جنبش» می‌گوییم، انتظارات از این جریان افزایش یافته و به تبع آن هزینه فعالیت‌های صنفی نیز بالاتر خواهد رفت. چراکه حاکمیت همواره نشان داده روی فعالیت‌هایی که نام «جنبش» به آنها اطلاق می‌شود، حساس است و تلاش می‌کند تا این جریان‌ها را متوقف کند.

این فعال صنفی در عین حال تاکید می‌کند که برخی جهت‌گیری‌های سیاسی در ساختار تشکله‌های صنفی به ضرر جریان مطالبه‌گری معلمان بوده و نباید از تریبون‌های صنفی در جهت منازعات سیاسی با نظام حاکم استفاده کرد.

در همین رابطه، او چالش‌های فعالیت صنفی معلمان در سال ۱۴۰۱ را

بیشتر ناظر بر عملکرد شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان می‌داند که بانی بسیاری از تجمعات اعتراضی یک سال گذشته بوده است. « این چالشها شامل موارد زیر است:

- چالش پیشگیری از درافتادن در فعالیتهای سیاسی: کنشگران صنفی معلمان باید تعریف مشخصی از کنش صنفی و تفاوت آن با کنش سیاسی ارائه دهند. وقتی به عنوان کنشگر صنفی وارد میدان فعالیت می‌شویم، باید در چارچوب نظام حقوقی ایران فعالیت کنیم و باید بدانیم که درافتادن با نظام سیاسی برای بدنه صنفی معلمان هزینه‌زاست. نباید معلم به این نتیجه برسد که با آمدنش به خیابان، انگ «برانداز» بر او خواهد خورد.

- چالش پیوند خوردن جریان صنفی معلمان با سایر جنبشهای مدنی و اجتماعی: ما باید پا به پای بدنه پیش برویم. اینکه ما بخواهیم گروهی از فعالان سیاسی، صنفی و کارگری و غیره را وارد فرآیند مطالباتی خود کنیم و از آنها بخواهیم که در خصوص فعالیتهای معلمان اظهارنظر کنند یا به آن جهت بدهند، با بدنه معلمان و خواستههای آنان همخوانی ندارد. حجم قابل توجهی از بدنه معلمان، نه فعالان کارگری، نه کنشگران سیاسی و نه جریانهای مختلف اجتماعی را نمی‌شناسند و تنها چیزی که می‌خواهند بهبود وضعیت صنف و معیشتشان است. تشکلهای صنفی را نباید به محلی برای تنازعات سیاسی با حاکمیت تبدیل کرد. این منافاتی با نوع نگاه یا نقد ما نسبت به عملکرد حاکمیت ندارد، بلکه باید فضایی را فراهم کنیم که از فعالیت صنفی در جهت منافع و یا تنازعات سیاسی استفاده نشود و با مشارکت بیشتر بدنه، شاهد تحقق مطالبات صنفی و قدرتگیری نهادهای صنفی و مدنی باشیم.»

این کنشگر صنفی در عین حال وظیفه مهم نهادهای صنفی را تلاش برای افزایش دانش، آگاهی و توانمندسازی معلمان برای مشارکت در فعالیتهای صنفی دانست و گفت: در بهترین حالت در حال حاضر، تنها ۳ درصد از معلمان در حرکت‌های صنفی و میدانی مشارکت می‌کنند و باید با آموزش و آگاهی‌رسانی به معلمان، بر میزان اثربخشی حرکت‌های اعتراضی افزود.

با وجود این اظهارنظرها اما گروهی دیگر از کنشگران صنفی معلمان، با تاکید بر حساسسازی جامعه و پیوند مطالبات معلمان با سایر اقشار، تلاش می‌کنند حرکت‌های اعتراضی معلمان را با مختصات جنبشی مورد ارزیابی قرار دهند. این گروه از معلمان، معتقدند مطالبات صنفی معلمان در پیوند با مطالبات مدنی معنا پیدا می‌کند و در این

راستا باید همزمان با پیگیری بهبود اوضاع معیشتی و صنفی معلمان؛ سیاست‌هایی چون کالایسازی آموزش و بی‌عدالتی در دسترسی به خدمات آموزشی را که بخش زیادی از جامعه دانش‌آموزی کشور درگیر آن است را زیر سوال برد.

دغدغه معیشت، ذیل مطالبات مدنی تعریف می‌شود

«محمد حبیبی» کنشگر صنفی سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران با بیان این نکته گفت: جریان صنفی معلمان بسیاری از ویژگی‌های جنبشی شدن را از حیث گستردگی، تداوم، سازماندهی و انسجام داراست و اطلاق «جنبش» به این حرکت مطالبه‌گرانه، درست و آگاهانه است.

او نگرشی را نقد کرد که [اعتراضات میدانی معلمان](#) را به مطالبه در راستای بهبود اوضاع معیشتی یک صنف تقلیل می‌دهد. به گفته حبیبی، چنین نگرشی می‌تواند شدت تاثیرگذاری جنبش معلمان در سطح جامعه بکاهد.

این فعال صنفی جنبش معلمان را همزمان سیاسی و غیرسیاسی معرفی کرد و ادامه داد: در ارتباط با موقعیت کنونی جنبش معلمان باید گفت که ما با جریان پویا و مطالبه‌گری مواجه هستیم که توانسته قدرت و توان خود را به جامعه اثبات کند. به این معنا جنبش معلمان یک جنبش سیاسی است. از طرفی در فضای کنونی جامعه ایران و به دلیل ساختارهای غیردموکراتیکی که وجود دارد، هر کنشی و هر عملی که در عرصه مدنی صورت می‌گیرد یک کنش سیاسی محسوب شده و از طرف حاکمیت تحمل نمی‌شود.

از سوی دیگر نوک پیکان مطالباتی که جنبش معلمان مطرح می‌کند، به سوی حاکمیت است و ما خواستار پاسخگویی حاکمیت به مجموع این مطالبات هستیم.

اما با این حال جنبش معلمان از حیث تبری از جریان‌های حاکمیتی و سیاسی داخل و خارج کشور، مستقل است و به هیچ‌یک از آنها وابستگی ندارد. به این معنا جنبش معلمان جنبشی غیرسیاسی است که وابسته به جریان‌های سیاسی نیست.

او تاکید می‌کند که بر اساس این صورتبندی؛ مطالبات این جنبش را نمی‌توان به مطالبات معیشتی تقلیل داد. حبیبی به بیانیه‌ها و مواضع شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان اشاره می‌کند و می‌گوید: مواضع شورا نشان می‌دهد که مطالبات ما صرفاً به مطالبه بهبود معیشت

خلاصه نمی‌شود و در صدد پیوند با مطالبات جامعه مدنی است. مطالبه آموزش رایگان، باکیفیت و برابر برای همه دانش‌آموزان یا مطالبه مخالفت با آموزش ایدئولوژیک یا دفاع از آموزش زبان مادری، مطالبات معیشتی نیستند و مجموعه‌ای از مطالبات عمومی و کلان را دنبال می‌کنند که در پیوند با مطالبات سایر گروه‌های جامعه مدنی قابل پیگیری و به نتیجه رسیدن هستند.

معلمان؛ هم مسئله، هم راه‌حل!

بدنه معلمان، تشکلهای صنفی آموزش و پرورش و نسبت این دو با حاکمیت، سه محور اصلی بحثی بودند که «طاهره نقی‌ئی» دبیرکل سازمان معلمان ایران به آن پرداخت. او با اشاره به این موارد در ارتباط با چالشهای فراروی جنبش معلمان در ایران گفت: معلمان هم مشکل هستند و هم راه حل. به این معنا که با پیگیری بسیاری از مسائل آموزش و پرورش متوجه می‌شویم که بسیاری از این مشکلات در میان بدنه معلمان نیز وجود دارد.

او با اشاره به صورتبندی بحث خود گفت: در ارتباط با بدنه معلمان باید بگویم که تجربه ما در سالهای اخیر نشان داده که اصولاً بین خواسته‌ها و فعالیت‌هایمان تناسبی وجود ندارد. یعنی هم زیاده‌خواهی داریم و هم انتظار داریم در زمان کوتاهی به اهدافی که تعیین کرده‌ایم، دست پیدا کنیم. علاوه بر آن در فضای تشکیلاتی نیز با مجموعه‌ای از تشکلهای مجوزدار و بدون مجوز مواجهیم که جدا از اینکه چقدر با این موضوع گرفتن مجوز موافق باشیم یا نه! - در نوعی ناهماهنگی و عدم ثبات فعالیت می‌کنند. از سوی دیگر نیز با چالش نگرش امنیتی حاکمیت به فعالیت صنفی و تشکیلاتی مواجهیم که از هر امکانی در جهت محدودسازی فضای فعالیت استفاده می‌کند. حال باید ببینیم که در این چارچوب، چگونه مسائلمان را حل کنیم.

این فعال صنفی نتیجه‌گیری می‌کند که «در چنین شرایط، گروهی از معلمان از کنشگری فاصله می‌گیرند و تنها در محدوده وظایف شغلی خود ادامه فعالیت می‌دهند. تعداد دیگری بدون سازماندهی مشخص و اصطلاحاً به صورت خودجوش در عرصه کنشگری ظاهر می‌شوند و چارچوب مشخصی برای طرح مطالباتشان ندارند. گروه دیگری نیز وجود دارند که شامل فعالان صنفی و سیاسی می‌شوند و دارای شناسنامه مشخصی در سازماندهی هستند. تکرر و متشکل بودن ویژگی مثبت این گروه‌هاست. اما اشکالاتی همچون تکرر و ناهماهنگی با یکدیگر هم در فعالیت آنها وجود دارد.

دبیرکل سازمان معلمان ایران در بخش دیگری از صحبت‌های خود با اشاره به اینکه «تلاش جمعی ما نباید تنها به حضور در خیابان محدود شود» گرچه سازمان معلمان ایران حضور خیابانی را به عنوانی بخشی از روند کنشگری، به رسمیت می‌شناسد» گفت: در شرایط فعلی، جنبش معلمان پس از پشت سر گذاشتن فعالیتهای میدانی یک سال گذشته، نیاز دارد که بیشتر به مذاکره فکر کند. برای این کار باید بین نمایندگان تشکلهای مختلف صنفی تشریک مساعی ایجاد شود. ما اکنون در برابر حساسسازی جامعه نسبت به وضعیت معلمان مسئولیم و باید با تداوم روند مطالبه‌گری و همبستگی بیشتر، یک گام به پیش برداریم.

این فعال صنفی اضافه کرد: وظایف ما معلمان برای موفقیت جنبش معلمان در آینده شامل عمل به این موارد است:

- ترغیب نیروها و کنشگران خودجوش به کار جمعی
- سازماندهی نیروها و کنشگران غیرسازمان‌یافته
- آموزش، جذب و توانمندسازی معلمان توسط تشکلهای
- همکاری قاعده‌مند تشکلهای با یکدیگر
- پیگیری و رایزنی تلاش‌هایی که در سال گذشته انجام شده و انتخاب نمایندگان شایسته برای تداوم روند مطالبه‌گری
- استفاده از حمایت رسانه‌ها و پیوند با سایر اقشار اجتماعی مطالبه‌گر

در بخش دیگری از این گفتگوها نیز «محمد داوری» سخنگوی سازمان معلمان ایران با ارائه فهرستی از ویژگی‌هایی که پیشتر در این گزارش به آنها اشاره شد، به مأموریت مهم کنشگران صنفی در میدانی مختلف پرداخت و با تاکید بر اینکه نقش‌آفرینی موثر در هر یک از این میدان‌ها، نیازمند تحلیل دقیق و همراهی و هماهنگی همه طیف‌ها و سلايق صنفی در میان معلمان است، گفت: ما با چند میدان مختلف در عرصه کنشگری صنفی معلمان مواجهیم که ضرورت دارد به آنها توجه کنیم و درک درستی برای ادامه مسیر به دست آوریم. اولین میدان، درون سازمان آموزش و پرورش است که یک ساختار ایدئولوژیک، بروکراتیک و فرسوده دارد که در ناکارآمدی آن کمتر کسی تردید می‌کند. در درون این سازمان، ما با تعداد زیادی از کارکنان از مدیر مدرسه تا نیروهای اداری و حراست و نیروهای رسیدگی کننده به تخلفات مواجه هستیم که نسبت آنها با کنشگری معلمان باید مورد توجه قرار گیرد. از طرفی در بحث نیروهای جوان به ویژه دانشجومعلمان ما با چالش‌هایی مواجه هستیم که کمتر مورد توجه کنشگران صنفی قرار گرفته است. همین‌طور معلمان غیرانتفاعی که

معمولا خارج از عرصه کنشگری قرار می‌گیرند و به آنها هم کمتر توجه می‌شود. علاوه بر این چالشهای درونی، جنبش معلمان با چالشهای بیرونی متعددی از سوی حاکمیت، مجموعه دولت و مجلس مواجه است که نشان می‌دهد این جریان صنفی در میادین گسترده‌ای فعالیت می‌کند و نیازمند همراهی و پیوند با سایر جریان‌های اجتماعی، نخبگان و رسانه‌هاست تا اثربخشی لازم را بر فضای آموزشی کشور داشته باشد.

جمع‌بندی

مروری بر گزیده برخی اظهارنظرهای صورت گرفته در این نشست، نشان می‌دهد که جریان صنفی معلمان برای تداوم حرکت‌های مطالبه‌گرانه خود بیش از همیشه نیازمند تبیین چارچوبی نظری و عملیاتی برای ادامه مسیر است. نزدیکی بیشتر به طیف‌های مختلف معلمان از شاغل تا بازنشسته، حق‌التدریس، غیرانتفاعی، معلمان جوان و غیره و نیازسنجی هدفمند از مطالبات این گروه‌ها به عمق‌بخشی این جریان صنفی و نتیجه‌گرا بودن آن کمک شایانی خواهد کرد. از طرفی تحلیل، ارزیابی و نقد وضعیت فعالیت تشکلهای صنفی موجود در جذب، آموزش و آگاهی‌رسانی صنفی به بدنه، دیگر مأموریت مهم کنشگران و ناظرانی است که تلاش می‌کنند دریچه‌ای تازه به افزایش سطح مشارکت صنفی بگشایند و ظرفیت‌های مغفول مانده را شناسایی کرده و از آنها استفاده کنند. در عین حال، تاکید بسیاری از سخنرانان نشستِ اخیر بر تشریک مساعی و لزوم همکاری و هماهنگی در پیشبرد مطالبات صنفی، نشان می‌دهد که این جریان اکنون در نقطه‌ای قرار دارد که نیازمند تقسیم وظایف، تعیین استراتژی و نقشه راه و برعهده گرفتن نقش‌های **مختلف کنشگری آگاهانه** برای ادامه مسیر است.

از طرفی فرونیافتادن در دام فراروایت‌های نخبگان سیاسی، مدنی و رسانه‌ای که با هر هدفی تلاش می‌کنند جریان مطالبه‌گری معلمان را به جریانی فراتر از ظرفیت‌های واقعا موجود پیوند دهند و به این وسیله خواسته یا ناخواسته امکان نقد و ارزیابی میان «آنچه هست» و «آنچه باید باشد» را به حداقل می‌رسانند، از دیگر مواردی است که باید مورد توجه فعالان صنفی معلمان قرار گیرد.